



## نقش آموزش و پرورش در مهندسی فرهنگی

احمد زندوانیان نایینی \*

روح الله کهکی \*\*

صادق شمشادی \*\*\*

تاریخ دریافت مقاله: ۹۰/۱/۷

تاریخ تأیید مقاله: ۹۰/۲/۳۰

### چکیده:

این مقاله، به بررسی نقش آموزش و پرورش در مهندسی فرهنگی جامعه اسلامی ایران و همچنین آثار فرهنگ در ایجاد تغییرات نظام آموزشی کشور، انواع روابط موجود میان نظام آموزش و پرورش کشور و فرهنگ و مبانی مختلف آموزش و پرورش پرداخته است. سپس انواع فرهنگ و نقش آموزش و پرورش در هر یک از انواع فرهنگ بیان شده است. همچنین انواع آموزش و پرورش تفکیک و مهندسی فرهنگی از دیدگاه مقام معظم رهبری و کارشناسان صاحب نظر بررسی شده است. سپس مهندسی اجتماعی و مهندسی فرهنگی با یکدیگر مقایسه شده‌اند. در ادامه به این موضوع پرداخته شده است که آیا کاربرد واژه مهندسی فرهنگی صحیح است؟ مواضع مختلف آموزش و پرورش در رابطه با مهندسی فرهنگی با توجه به چگونگی ساختار حکومتی جامعه اسلامی ایران به صورت تحلیلی، بررسی گردیده و سپس نقش‌هایی مانند نقش زایشی، اصلاحی و ترمیمی و... برای آموزش و پرورش در مهندسی فرهنگی تعریف شده است.

**واژگان کلیدی:** انواع آموزش و پرورش، فرهنگ، مهندسی اجتماعی، مهندسی فرهنگی.

\* استادیار دانشکده علوم انسانی دانشگاه یزد Email: azand2000@yahoo.com

\*\* دانشجوی رشته علوم تربیتی دانشگاه یزد Email: rohalakhaki@yahoo.com

\*\*\* دانشجوی رشته علوم تربیتی دانشگاه یزد Email: sadegh.shemshadi@yahoo.com

## مقدمه

دارد. مهندسی فرهنگی به عنوان راه‌حلی برای برخورد آگاهانه با این پدیده پیچیده و با ابعاد گوناگون، امری ضروری است. در این مسیر آموزش و پرورش می‌تواند نقش‌های گوناگونی ایفا کند که به تفصیل بررسی می‌شود.

## تعریف فرهنگ

لوین<sup>۱</sup> از کلمه فرهنگ به عنوان «پیکره سازمان یافته‌ای از قوانین» استفاده می‌کند که به فرد یاد می‌دهد چگونه با دیگران رابطه برقرار کند، چگونه در مورد خودش و محیط فکر کند و چگونه نسبت به اشیاء و دیگران رفتار نماید. این قوانین به وسیله همگان مورد پذیرش قرار می‌گیرد و در نتیجه الگوی عقیدتی، رفتار اجتماعی، ارتباطی و ارزشی در آن محیط شود. هنگامی که ارزش و موقعیت این الگوها در یک محیط فرهنگی-اجتماعی شناخته شد، الگوها نهادی و درونی می‌شوند. نهادی شدن یعنی قبول قانونی بودن الگوها که رفتار و اعمال انسان‌ها در جامعه را به صورت استاندارد یا یکسان در می‌آورد. افراد مطابق قوانین و هنجارهای فرهنگ خود عمل می‌کنند و دور شدن از این قوانین نادرست و غیرقابل قبول است (میرکمالی، ۱۳۶۹). به بیان دیگر، فرهنگ به ابزارها، رسوم، اعتقادات، علوم، هنرها و سازمان‌های اجتماعی دلالت می‌کند، یا آنچه جامعه می‌آفریند و به انسان‌ها و می‌گذارد فرهنگ نام دارد (آریانپور، ۱۳۵۲، به نقل از علاقه‌بند ۱۳۸۷).

به نظر تایلر<sup>۲</sup> فرهنگ «مجموعه پیچیده‌ای است که شامل معارف، معتقدات، هنرها، صنایع، تکنیک‌ها، اخلاق، قوانین، سنن و بالاخره تمام عادات و رفتار و ضوابطی است که انسان به عنوان عضو یک جامعه آن را از جامعه خود فرا می‌گیرد. کلاسن برگ<sup>۳</sup>، روان‌شناس اجتماعی معروف، فرهنگ را عبارت از توانایی‌ها و عادت‌هایی می‌داند که آدمی به عنوان عضو جامعه کسب می‌کند و بالاخره، ادوار ساپیر<sup>۴</sup> فرهنگ را عبارت از «سیستم رفتارها و حالت‌های متکی بر ضمیر ناخودآگاه» می‌داند. وی در جای دیگر فرهنگ یک گروه را، ابداع تمام مدل‌های اجتماعی رفتار که به وسیله همه یا اکثریت اعضای گروه، جامه عمل به خود می‌پوشد، تعریف می‌کند (کاردان، ۱۳۷۲).

امروزه آموزش و پرورش به عنوان نهادی مهم در جامعه مطرح است، به طوری که هرساله درصد قابل توجهی از میزان بودجه کشورها به این نهاد اختصاص می‌یابد. به طور مثال در کشورهای توسعه یافته ۲/۵ تا ۴ درصد از میزان تولید ناخالص ملی به امر تحقیقات اختصاص می‌یابد که از این میزان ۲۸/۵ درصد فقط در تحقیقات آموزش و پرورش هزینه می‌شود (آقازاده، ۱۳۸۶: ۱۷۴ - ۱۷۳).

این امر نشانگر اهمیت کارکردهای این نهاد در جهان کنونی است. خانواده‌ها نیز صرف‌نظر از هر موقعیت اجتماعی و اقتصادی که در آن قرار دارند آموزش و پرورش را به عنوان نهادی تأثیرگذار در جایگاه اجتماعی خود و فرزندانشان پذیرفته‌اند و میزان قابل توجهی وقت و سرمایه خود را در این مسیر صرف می‌کنند.

انطباق‌پذیری و هماهنگی افراد با شرایط پیچیده جهان کنونی و هم‌گام شدن با تغییرات، مهم‌ترین اهداف دولت‌ها و خانواده‌ها برای سرمایه‌گذاری در این نهاد است. البته نباید از نقش تشکیل سرمایه انسانی و بازده اقتصادی آموزش و پرورش نیز غافل ماند (عمادزاده، ۱۳۸۷). اما اهمیت فایده‌های جانبی آموزش و پرورش به حدی است که حتی در شرایطی که این سرمایه‌گذاری نسبت به سایر نهادها بازده کمتری داشته باشد دولت‌ها و خانواده‌ها باز اقدام به سرمایه‌گذاری در این نهاد می‌کنند، دلیل عمده‌اش این است که کارکردهای خاص آموزش و پرورش را نمی‌توان در سایر نهادها انجام داد. به هر حال حتی از نظر اقتصادی نیز ثابت شده که سرمایه‌گذاری در این نهاد بهترین نوع سرمایه‌گذاری است (همان منبع).

امروزه نهاد آموزش و پرورش به عنوان نهادی شناخته شده که پایه و اساس پیشرفت یک ملت را پی‌ریزی می‌کند. نقش آموزش و پرورش در فرهنگ و مهندسی فرهنگی نیز یکی از اساسی‌ترین نقش‌هایی است که یک ملت را در حیات، بالندگی و پالایش فرهنگی یاری می‌رساند. با توجه به پیچیدگی پدیده‌های انسانی (که فرهنگ بخش عمده‌ای از آن را تشکیل می‌دهد) برنامه‌ریزی و تفکیک نقش‌ها برای حفظ، اصلاح، ایجاد تغییرات بنیادین در فرهنگ و تجدید حیات فرهنگی کشور نقش اساسی

1. Levine  
2. Tylor

3. Klineberg  
4. Edvard Sapir

## تعریف آموزش و پرورش

تعاریفی ارائه شده از آموزش و پرورش فراوان است که تنها به نقل چند مورد پرداخته می‌شود:

به نظر دورکیم<sup>۱</sup> «تربیت عملی است که نسل‌های بالغ بر روی نسل‌هایی که هنوز برای زندگی اجتماعی به حد بلوغ نرسیده‌اند انجام می‌دهند و غرض از آن برانگیختن حالت‌های جسمانی و عقلانی و اخلاقی در کودک است که مقتضای جامعه سیاسی بر روی هم و محیط اجتماعی است که کودک اختصاصاً برای زندگانی در آن آماده می‌شود» (کاردان ۱۳۷۲).

تعریف «اتحادیه بین‌المللی پرورش نو»<sup>۲</sup> از تربیت نیز چنین است: «آموزش و پرورش عبارت از فراهم کردن زمینه رشد در حد امکان توانایی‌های هر شخص به‌عنوان فرد و نیز به‌عنوان عضو جامعه‌ای مبتنی بر همبستگی و تعاون است. تربیت از تحول اجتماعی جدایی‌ناپذیر است و یکی از نیروهای تعیین‌کننده این تحول است. بنابراین هدف تربیت و روش‌های آن باید به‌طور دائم و همگام با پیشرفت شناخت کودک و انسان و جامعه - که حاصل علم و تجربه است - مورد بازنگری قرار گیرد. مفهوم تربیت از چهار طریق یعنی: ۱. سن، ۲. محیط تربیتی، ۳. قوای ذهنی، ۴. رابطه متقابل میان مربی و متربی گسترش یافته است و از این نظر می‌توان گفت که به مفهوم فرهنگ و فرهنگ آموزشی نزدیک‌تر می‌شود (همان منبع).

به سطوح عالی و دشوار خاتمه می‌یابد. اتمام موفقیت‌آمیز یک دوره یا یک سطح، با دریافت اجازه ورود به مرحله بعدی توأم است.

۳. آموزش و پرورش عمومی<sup>۳</sup>: نوعی از آموزش است که برای توسعه مهارت‌های عددی و ارتباطی از سطوح ساده به دشوار تنظیم شده است. این آموزش باعث تحصیل عمومی سواد خواندن، نوشتن و محاسبات می‌شود. آموزش رسمی متداول‌ترین وسیله برای این نوع آموزش است؛ اما این نوع آموزش ممکن است از طرق دیگر و به‌وسیله برنامه‌هایی که برای گروه‌هایی خاص با احتیاجات خاص تنظیم شده‌اند نیز ارائه گردد.

۴. آموزش و پرورش فنی و حرفه‌ای<sup>۴</sup>: این نوع آموزش علاوه بر آموزش عمومی، به مطالعه و بررسی فناوری و فنون و علوم وابسته به آنها و تحصیل مهارت‌های فنی و دانش حرفه‌ای در بخش‌های اقتصاد و زندگی اجتماعی می‌پردازد. اهداف گسترده آموزش فنی و حرفه‌ای، آن را از آموزش حرفه‌ای - که محدود به مهارت‌های خاص و دانش لازم برای یک حرفه به‌خصوص یا گروهی از حرف می‌باشد، جدا می‌سازد (صفوی، ۱۳۸۷، ص ۱۲). در این مقاله تنها نقش آموزش و پرورش رسمی در مهندسی فرهنگی جامعه مورد مذاقه قرار می‌گیرد.

## فرهنگ و مهندسی فرهنگی از دیدگاه مقام معظم رهبری

مقام معظم رهبری انواع فرهنگ را به این صورت مورد اشاره

قرار داده‌اند:

۱. فرهنگ ملی: عاملی که ملت را به رکود و خمودی یا تحریک و ایستادگی، صبر و حوصله و یا پرخاشگری و بی‌حوصلگی، اظهار ذلت یا غرور در مقابل دیگران، به تحریک و فعالیت تولیدی یا به بیکارگی و خمودی تحریک می‌کند، فرهنگ ملی است. فرهنگ با همین تعریف ویژه، محصول تعریف جمعی از یک جامعه است که خود مؤثر در همه حرکات و تحولات و تشکیل‌دهنده هویت یک جامعه است (مقام معظم رهبری ۱۳۸۳/۱۰/۸، به نقل از روحانی، ۱۳۸۷).

۲. فرهنگ عمومی: در داخل کشور، آنچه در فرهنگ عمومی

## انواع آموزش و پرورش

۱. آموزش و پرورش مادام‌العمر<sup>۲</sup>: در این دیدگاه، آموزش و پرورش امری بلندمدت است که از بدو تولد آغاز و با مرگ خاتمه می‌یابد. بنابراین این اصطلاح تمام آموزش‌های فرد را در انواع مختلف از دامان والدین تا آموزش‌های پیچیده پوشش می‌دهد.

۲. آموزش و پرورش رسمی<sup>۴</sup>: عبارت است از آموزشی منظم که به طور معمول در مدارس و دیگر مؤسسات آموزشی وابسته به وزارت آموزش و پرورش ارائه می‌شود. آموزش رسمی به طریقی سازماندهی شده است که از سطوح ابتدایی و ساده شروع می‌شود و

1. Durkheim  
2. Ligue – Internationale d'éducation - Nouvelle  
3. Life Long Education  
4. Formal Education - Education Formelle

5. General Education  
6. Technical & Vocation – Education – Enseignement Technique et professionnel

نظام فرهنگی و نظام اقتصادی قابل تأمین باشد. مهندسی فرهنگی در واقع طراحی نظام مدیریت فرهنگی است. اجرای مهندسی فرهنگی منجر به نظام مدیریتی پیوسته، منسجم، هدفمند و قوی در چارچوب اهداف و سیاست‌های فرهنگی کشور می‌شود. مهندسی فرهنگی طراحی جامع و منسجم نظام مدیریت فرهنگی جمهوری اسلامی ایران براساس مبانی نظری و مدل دقیق، روشن و روزآمد و همچنین تعیین مناسبات آن با سایر نظام‌ها (اقتصادی، سیاسی و حقوقی) است (ناجی، ۱۳۸۷).

### مهندسی اجتماعی و مهندسی فرهنگی

مهندسی اجتماعی به معنای ساختن جامعه با الگویی از پیش تعیین شده است که به وسیله مهندسان اجتماعی (آرمان شهرگرایان) اجرا می‌شود. این نظریه تحت نفوذ افکار عصر روشنگری در قرن هجدهم قرار داشت و آینده‌ای را نوید می‌داد که بهتر از گذشته است. آنها به وجود قوانین طبیعی که بتوان با اتکا به آنها زندگی کاملی را بر روی زمین ایجاد کرد، معتقد بودند که کلید اجرای این قوانین را تربیت می‌دانستند و بر این باور بودند که انبای بشر را باید برای عصر نوین تربیت کرد. آنان فرد را مبنای جامعه نمی‌دانستند و اقتصاد آزاد را مورد انتقاد قرار می‌دادند. آنها همچنین مفاهیم نوینی از کار و سرمایه را ارائه کردند (گوتک، ۱۳۸۸).

اینان معتقدند که فناوری و کارایی نقش مهمی در اصلاح نهاد اجتماعی ایفا می‌کنند. دو نظریه نوین که در راستای نظریه آموزش و پرورش به مثابه بازسازی اجتماعی شکل گرفته است: نظریه توسعه و آینده‌نگری است. این گروه بر مدارس مسئله‌محور تأکید دارند و معتقدند که باید میراث کهن فرهنگی را نقادانه مطالعه کرد. البته جستجو برای آرمان شهرگرایی امری دست‌نیافتنی باقی ماند و هیچ وقت تحقق پیدا نکرد (همان).

به نظر باقری (۱۳۸۸: ۱۶۵ و ۱۶۶) «در نگرش مهندسی اجتماعی به‌طور غالب، فرض بر این است که انسان و مسائل انسانی، در نهایت از امور طبیعی و مادی است که در علوم طبیعی مورد مطالعه قرار می‌گیرد. به عبارت دیگر، از نظر هستی‌شناسی، تفاوتی میان انسان و مسائل انسانی با اشیای طبیعی و مسائل طبیعی وجود ندارد. به تبع این امر، از نظر معرفت‌شناختی،

ما ضعیف است، یا جایش کم است عبارتند از: انضباط، اعتماد به‌نفس ملی، اعتزاز ملی، قانون‌پذیری، غیرت ملی، فرهنگ ازدواج، فرهنگ راندگی، فرهنگ خانواده، فرهنگ اداره و لباس (مقام معظم رهبری ۱۳۸۱/۹/۲۶، به نقل از روحانی، ۱۳۸۷).

۳. فرهنگ تخصصی: فرهنگی که باید در تولید، خدمات، ساختمان‌سازی، کشاورزی، صنعت، سیاست خارجی و تصمیمات امنیتی رعایت شود (مقام معظم رهبری ۱۳۸۱/۹/۲۶، به نقل از روحانی، ۱۳۸۷).

۴. فرهنگ سازمانی: فرهنگ اداره از قبیل رشوه بگیریم یا نگیریم، با رشوه چگونه مقابله کنیم، کار مردم را چگونه راه بیندازیم و... (مقام معظم رهبری ۱۳۸۱/۹/۲۶، به نقل از روحانی، ۱۳۸۷).

مهندسی فرهنگی یکی از مطالبات اصلی رهبر معظم انقلاب از شورای عالی انقلاب فرهنگی است که بارها در دیدار با این شورا بر اهمیت آن تأکید کرده‌اند. به نظر ایشان مهندسی فرهنگی این است که با رویکرد سیستمی اجزای فرهنگ اعم از فرهنگ ملی، فرهنگ عمومی، فرهنگ تخصصی، فرهنگ سازمانی، در مجموعه فرهنگ جانمایی شده و روابط آنها به خوبی تنظیم شود. با توجه به بیانات مقام معظم رهبری، مهندسی فرهنگی سه وظیفه مهم یعنی ارزیابی وضعیت فرهنگی موجود، تعیین فرهنگ آرمانی یا همان وضعیت فرهنگی مطلوب و ارائه برنامه، ارائه طریق یا همان تعیین چگونگی رسیدن به وضعیت مطلوب را بر عهده دارد (مقام معظم رهبری ۱۳۸۳، به نقل از گرامی و شریف‌اصفهانی، ۱۳۸۶).

به نظر ایشان مهندسی فرهنگی تمام ابعاد جامعه اعم از سیاسی، اقتصادی و فرهنگی را پوشش می‌دهد.

بعضی کارشناسان کوشیده‌اند، براساس رهنمودهای رهبر فرزانه انقلاب، مهندسی فرهنگی را تبیین کنند. بنابراین به‌زعم کارشناسان، مهندسی فرهنگی فعالیتی در جهت عملیاتی کردن احکام کلی فرهنگی در ظرف زمان و مکان مشخص است و بر این پیش فرض اساسی استوار است که فرهنگ امری ثابت و غیرقابل تغییر نیست و می‌توان آن را به مرور و در بلندمدت تغییر داد. در مهندسی فرهنگی نظام اجتماعی، باید روابط میان گروه‌های اجتماعی و ارکان اصلی جامعه تنظیم شود تا منافع گروه‌ها و سازمان‌ها و در نهایت نظام‌های اصلی جامعه اعم از نظام سیاسی،

و در اغلب موارد غیر قابل تفکیک هستند. با توجه به اینکه واژه مهندسی پیشتر درباره امور مادی به کار گرفته شده است، ویژگی‌های این واژه در مورد فرآیند تولید محصول - که بخش اعظمی از کاربرد واژه مهندسی را به خود اختصاص داده است - بیان می‌شود.

### فرآیندهای تولید محصول

مرحله سفارش کار: اولین مرحله در فرآیند تولید - که اساسی‌ترین آن است - نیاز مشتری می‌باشد که در قالب سفارش به تولید کننده ارجاع می‌گردد.

مرحله برنامه‌ریزی کلی: در این مرحله با توجه به شرایط مندرج در قرارداد و طبق خواسته‌های مشتری درباره زمان تحویل، تأمین مواد، کیفیت مورد انتظار و ... برنامه‌ریزی می‌شود. مرحله طراحی محصول: در این مرحله براساس خواسته‌های مشتری و اطلاعات داده شده نسبت به تهیه نقشه‌های کلی و جزئی از محصول موضوع قرارداد اقدام می‌شود. نقشه‌های طراحی شده برای اجرا در اختیار مهندسان تولید قرار می‌گیرد. مرحله تولید: این مرحله شامل چند مرحله فرعی است. همزمان با ساخت، کنترل تولید و کنترل کیفیت درباره قسمت‌های ساخته شده نیز صورت می‌گیرد (سعید آبادی، ۱۳۸۸).

### تعمیم فرایندهای مهندسی به حوزه‌های فرهنگی

آیا در حوزه‌های فرهنگ، محصولات و صنایع فرهنگی وجود دارد؟ به این معنا که انسان مانند ماده خام، به تدریج در اثر فرایندهای تولید در کارخانه آموزش و پرورش، دانشگاه، مسجد، رادیو و تلویزیون و خانواده به محصول نهایی یعنی انسان دارای فرهنگ تبدیل می‌شود؟

مشتری در صنعت در بالاترین سطح سلسله‌مراتب تصمیم‌گیری قرار دارد؛ اما در حوزه فرهنگ این سطح متفاوت است و مشتری (مردم) در تصمیم‌گیری‌های فرهنگی نقش غیرمستقیم ایفا می‌کند. مشتری در صنعت همانند متغیر اصلی بر سایر عوامل اثر می‌گذارد؛ اما در حوزه فرهنگ، مشتری متغیر وابسته است و از بسیاری از عوامل اثر می‌پذیرد. در حوزه‌های فرهنگی، صلاحیت‌ها کمتر به صورت استانداردهای لازم‌الاجرا درآمده است. آخرین

روش‌شناسی علوم انسانی باید مطابق با روش‌شناسی علوم طبیعی باشد. سرانجام، از نظر ارزش‌شناسی، در نگرش مهندسی اجتماعی، تصور بر این است که ارزش‌های اجتماعی بشر، چون پدیده‌های جنبی‌اند که خود، اشاره به واقعیت ندارند و فاقد بار شناختی‌اند؛ اما بر زیرساختی طبیعی و مادی استوارند و از این رو، می‌توان با شناخت علمی زیرساخت‌های مذکور و (مهار فناورانه) آنها، به (مهندسی اجتماعی) پرداخت و اختلال‌ها و تعارض‌های موجود در عرصه ارزشی و اجتماعی آدمی را مرتفع کرد. نگرش مهندسی اجتماعی، با چنین مفروضاتی، با هر دیدگاه غیرطبیعت‌گرایانه، از جمله دیدگاه اسلامی نسبت به موجودیت انسان و مسائل ارزشی و اجتماعی وی، ناهماهنگ و بلکه متعارض است.»

اما در مهندسی فرهنگی، چه از نظر هستی‌شناسی، چه از نظر معرفت‌شناسی و چه از نظر ارزش‌شناسی، منظور انطباق با امور طبیعی نیست، بلکه منظور مدیریت این جنبه‌ها با کمک خود مردم است. مهندسی فرهنگی یعنی مواظبت از اینکه چه چیزی به عنوان درون‌داد وارد سیستم می‌شود، فرآیند یا گردش کار چگونه انجام می‌گیرد و در پایان برون‌داد چه چیزی است و بازخورد چگونه انجام گیرد که باعث بهبود فعالیت‌ها گردد. البته همیشه در امور انسانی مسائلی وجود دارد که پیش‌بینی و مدیریت آنها مشکل است. وجود این مسائل برنامه‌ریزی و مدیریت افرادی را می‌طلبد که در این زمینه تخصص و تجربه کافی دارند. البته باید یادآوری شود که برخلاف مهندسان اجتماعی، که مدعی وجود و اجرای قوانین طبیعی در امور انسانی هستند مهندسی فرهنگی مدعی نظم‌دهی به امور فرهنگی با توجه به نگرش سیستمی است که به وسیله خود مردم صورت می‌گیرد نه به وسیله افرادی خاص و خارج از مردم.

### آیا کاربرد واژه مهندسی فرهنگی صحیح است؟

در ابتدای این بحث باید یادآوری شود که مهندسی فرهنگی را می‌توان در عوامل مادی و غیرمادی اجرا کرد. در این میان کاربرد واژه مهندسی برای جنبه‌های مادی پذیرفته شده است و بحث در مورد کاربرد واژه مهندسی درباره عوامل غیرمادی (انسانی) دنبال می‌شود. ذکر این نکته ضروری است که هر دو جنبه مادی و غیرمادی فرهنگ بر روی یکدیگر تأثیرگذار هستند



و شفاف تعیین می‌شود و مطابق آن اختیارات و منابع لازم در اختیار آنها قرار می‌گیرد. در رهبری و هماهنگی میان عوامل، گروه‌ها و نهادهای مختلف هماهنگی و نوعی وحدت و همگنی به وجود می‌آید. همه عوامل دخیل به وسیله این عامل (رهبری و هماهنگی) ارزشیابی و کنترل می‌شوند.

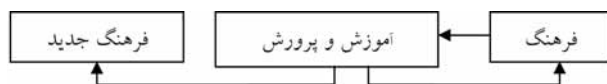
با توجه به بیانات مقام معظم رهبری، انتظار ایشان در شورای عالی انقلاب فرهنگی نیز رهبری جریان مهندسی فرهنگی در هسته مرکزی آن است. جایی که باید از موازی‌کاری‌ها، بی‌برنامگی‌ها، دوباره‌کاری‌ها و از نگرش سطحی و جزئی به امور فرهنگی جلوگیری شود.

### نقش آموزش و پرورش در فرهنگ و مهندسی فرهنگ به عنوان پیش‌نیاز مهندسی فرهنگی

۱. فرهنگ ایستا: فرهنگ ایستا بنا به ماهیت ایستایی خود همواره محتوای فرهنگی را مطابق الگوی زیر، دست نخورده و بدون تغییر از طریق تعلیم و تربیت به نسل بعدی منتقل می‌سازد. در این الگو، فرهنگ؛ آموزش و پرورش را به وجود می‌آورد و آموزش و پرورش، فرهنگ اولیه را حفظ و به نسل بعد منتقل می‌کند.



۲. فرهنگ پویا: در یک جامعه پویا، آموزش و پرورش، کودکان را با فرهنگ جامعه آشنا می‌کند و در عین حال به آنان می‌آموزد که چگونه فرهنگ موجود را زیر سؤال ببرند و آن را مطابق نیازهای حال و آینده خود متحول سازند. در این الگو ابتدا فرهنگ آموزش و پرورش را به وجود می‌آورد و سپس نسل جوان، فرهنگ اولیه را به فرهنگ جدید تغییر می‌دهد و در پایان آموزش و پرورش نسل جوان را با میراث فرهنگی آشنا می‌کند.



۳. فرهنگ آمیخته (از ایستایی و پویایی): در این الگو آموزش و پرورش تا حدی تجلی فرهنگ موجود و تا حدودی مظهر فرهنگ گذشته است و آموزش و پرورش با همگرا ساختن فرهنگ‌های موجود و گذشته، فرهنگ تلفیقی واقعی را می‌سازد.

تفاوت و اساسی‌ترین آن وجود نگاه فلسفی در حوزه‌های فرهنگی و دوری حوزه صنعت از این نگاه است. رفتارهای فرهنگی تحت تأثیر جهان‌بینی‌ها قرار دارند؛ اما رفتارهای اقتصادی از این نگاه فراغت نسبی دارد. مشوق‌ها، پاداش‌ها و مجازات‌های اقتصادی در مقایسه با فرهنگ از جنس کاملاً متفاوتی است (همان).

اما واژه مهندسی را نمی‌توان تنها مختص امور مادی دانست، اگرچه در این میان بین امور مادی و غیرمادی تفاوت‌هایی وجود دارد؛ اما اگر واژه مهندسی را به علم و هنر برقراری ارتباط و تعامل میان اجزای یک سیستم با هدف ایجاد رفتار مطلوب تعریف کنیم، پیوند عمیقی میان این واژه و واژه مدیریت مشاهده می‌کنیم. به نظر می‌رسد این جنبه از واژه مهندسی مورد نظر مقام معظم رهبری و صاحب‌نظران است نه جنبه کمی این واژه. از این منظر کاربرد این واژه همراه با بسیاری از مفاهیم مادی و غیرمادی می‌تواند وجهت داشته باشد. با توجه به این موضوع مهم‌ترین ارکان واژه مهندسی را از این منظر می‌توان خلاصه کرد:

- درون داد: در این مورد عناصر مختلفی وارد سیستم می‌شوند عناصری مانند زمان، ایده‌ها، انسان و سرمایه.

- گردش کار: در این مورد عناصر مختلف به صورت سازمان یافته ترکیب می‌شوند و محصول جدیدی را تولید می‌کنند. این محصول می‌تواند کالای فرهنگی، برنامه فرهنگی، انسان با فرهنگ و ... باشد.

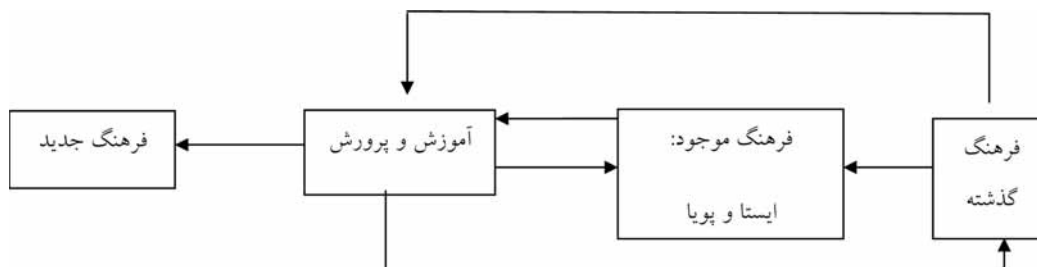
- برون داد: در این مورد محصول تولید شده وارد اجتماع می‌شود.

- بازخورد: از این مورد به عنوان وسیله‌ای برای ارزشیابی فرآیند کلی استفاده می‌شود و مقداری از برون‌داد دوباره به صورت درون‌داد وارد سیستم می‌شوند (علاقه‌بند، ۱۳۸۷).

در ضمن فرآیند یا گردش کار - که هسته این چرخه را تشکیل می‌دهد عوامل متعددی موجود می‌باشد که تمرکز مهندسی فرهنگی نیز بر روی این مورد است. مواردی مانند برنامه‌ریزی، تقسیم کار، رهبری و هماهنگی، نظارت و ارزشیابی و ... همه در این مرحله نمود پیدا می‌کنند. برنامه‌ریزی در این مرحله باعث می‌شود که اهداف مشخصی تعیین شود و همچنین میزان منابع برای رسیدن به اهداف مشخص شود. در تقسیم کار برای هر نهادی و گروهی وظیفه‌ای مشخص، قابل وصول

ارتباطی ندارد (آنچه که در جامعه کنونی ایران در زمینه بعضی رشته‌های تحصیلی مشاهده می‌کنیم). زمانی که در جامعه نهاد آموزش و پرورش به عنوان نهادی قلمداد می‌شود که وظیفه‌ای غیر از وظایف فرهنگی برای او تعریف می‌شود، این نقش پدیدار

این تلفیق فرهنگ گذشته را تعدیل می‌کند و در ادامه، آموزش و پرورش زمینه را برای ظهور یک فرهنگ جدید و واگرا آماده می‌کند (صفوی، ۱۳۸۷، ص ۳۶ و ۳۷). این الگو به صورت زیر طراحی شده است:



می‌شود. گاهی نیز نقش ناچیزی به نهاد آموزش و پرورش داده می‌شود و احیاء و حرکت به سوی ارزش‌های از پیش تعیین شده به نهادهای دیگری چون نهاد دین یا خانواده سپرده می‌شود. در این زمان معمولاً نقش آموزش و پرورش به عنوان نهادی که فقط قسمت مشخصی از فرهنگ (دانش کاربردی) را منتقل می‌کند، تعریف شده است

۳. نقش اطاعتی: این نقش زمانی بروز می‌کند که حیات و زندگی فرهنگی ملت به سمتی در حال حرکت است که همسو با آرمان‌هایی است که ملت بر آن توافق دارند. در این مورد، نهاد آموزش و پرورش جزئی از هم‌نوایی و هم‌سویی جریان فرهنگی برنامه‌ریزی شده است و نقش‌هایی نیز برای رسیدن به اهداف فرهنگی و حفظ حیات فرهنگی به این نهاد سپرده شده است. آموزش و پرورش می‌تواند نقش اطاعتی را داشته باشد و خود نیز به عنوان بخشی از حرکت فرهنگی فعالیت کند، البته در چارچوب سیاست‌های از قبل تعیین شده. نکته مثبتی که در این نقش وجود دارد این است که اطاعت به معنای این نیست که این نهاد نقشی در جریان اصلاح فرهنگی ندارد، بلکه منظور این است که خود بخشی از حرکت به سوی احیاء و مهندسی فرهنگ کشور است. در جمهوری اسلامی ایران با توجه به این که فرهنگ و سیاست کلی حاکم بر جامعه مردم‌سالاری دینی است که بر پایه عدالت اسلامی شکل گرفته است و اکثریت مردم بر آن توافق دارند آموزش و پرورش می‌تواند نقش اطاعتی داشته باشد، یعنی در چارچوب نقش‌های از پیش تعیین شده نیز مشارکت کند و با

### - نقش آموزش و پرورش در مهندسی فرهنگی جامعه

با توجه به ساختار سیاسی کشورها و ارتباط آن با ارزش‌های از پیش تعیین شده، نهاد آموزش و پرورش می‌تواند به طرق زیر در مهندسی فرهنگی جامعه<sup>۱</sup> نقش داشته باشد.

۱. نقش رهبری اصلاحات: اگر نظام فرهنگی و ارزش‌های مورد قبول مردم جامعه با الگوهای کنونی مناسبت و همراهی نداشته باشد و گذشت زمان، جامعه را از ارزش‌های مطلوب از پیش تعیین شده - که مردم بر روی آن توافق کرده‌اند و ملیت خود را تشکیل داده و حفظ کرده‌اند - دور کند، در این زمان آموزش و پرورش می‌تواند به عنوان نهادی که رهبری اصلاحات را بر عهده دارد، وارد عمل شده و نقش هدایت فرهنگی را بر عهده داشته باشد و دست به اصلاحاتی بزند که با الگوهای متعارض کنونی همسو نیست و جریان امور فرهنگی را به سمتی هدایت کند که جامعه بر روی آن توافق بیشتری دارند. معمولاً در این زمان، آموزش و پرورش سیاست‌های فرهنگی موجود را نمی‌پذیرد و از آن اطاعت نمی‌کند و به عنوان نهادی خودمحمور وارد عرصه فرهنگی می‌شود. از زاویه دیگر حکومت می‌تواند نقش و اختیار اصلاحات را به آموزش و پرورش واگذار کند و از آن نهاد به عنوان وسیله‌ای برای رهبری و اصلاح امور فرهنگی استفاده کند. در این موقع حکومت به طور غیرمحسوس و غیرمستقیم به کارهای فرهنگی می‌پردازد.

۲. نقش تمایزی: دیدگاه تمایزی به این صورت است که در نهاد آموزش و پرورش اهدافی دنبال می‌گردد که با اهداف جامعه

۱. برخی از این نقش‌ها از کتاب اصول برنامه‌ریزی درسی تألیف دکتر کورش فتحی و اجارگاه استنباط شده‌اند ایشان این طبقه‌بندی‌ها را در مورد ارتباط برنامه‌ریزی درسی و برنامه درسی بیان داشته‌اند.

توجه به مقتضیات در این امر مداخله کند.

۴. نقش اقتضایی: این دیدگاه به این مفهوم اشاره می‌کند که در بعضی از زمان‌ها، آموزش و پرورش جامعه ممکن است در زمینه‌ای خاص، رشدی فوق‌العاده و ثمربخش داشته باشد که می‌تواند آن را در خدمت جامعه قرار دهد و از طرف دیگر نیز ممکن است نکات مفید و مثبتی در فرهنگ جامعه و تحولات آن به‌وقوع پیوندد که قابلیت استفاده در آموزش و پرورش و تربیت افراد را بر مبنای آن داشته باشد. به نظر می‌رسد که این دیدگاه، نظری بهتر و جامع‌تر باشد؛ اگرچه ما نقشی مهم و غیرقابل انکار برای آموزش و پرورش جامعه و تربیت افراد آن قائل هستیم؛ اما باید این نکته را هم بپذیریم که این امر با تکیه بر دیگر نهادهای جامعه و همچنین همکاری میان آنها میسر است.

۵. نقش تداخلی: در این دیدگاه، فرهنگ موجود در جامعه جزئی از نظام آموزش و پرورش تلقی می‌گردد که در این صورت تمام مفروضه‌های موجود در فرهنگ، متناسب با نظام آموزشی طراحی و برای جامعه اجرا می‌گردد. در این طرح فرهنگ هیچ نقشی در آموزش و پرورش ندارد و رابطه به صورت یک طرفه و تحکم‌آمیز صورت می‌گیرد. به زبانی دیگر آموزش و پرورش به واردات فرهنگ و تحمیل آن بر جامعه اقدام می‌کند.

۶. نقش مبارزه با تأخر فرهنگی: هر فرهنگ را می‌توان به عناصر مادی و غیرمادی تقسیم کرد. اغلب دلایلی ارائه می‌گردد مبنی بر اینکه گاهی دگرگونی‌ها تنها در حوزه مادی فرهنگ رخ می‌دهد و مردم دگرگونی‌ها در فناوری را که جزئی از حوزه مادی فرهنگ است، می‌پذیرند، حال آنکه مردم، هنجارها، ارزش‌ها و باورها و... را کمتر تغییر می‌دهند. نتیجه آن تأخر فرهنگی است و زمانی رخ می‌دهد که عناصر غیرمادی فرهنگ سعی دارند وضعیت خود را در میان دگرگونی‌های عناصر مادی حفظ کنند (کوئن، ۱۳۸۷: ۶۵). آموزش و پرورش می‌تواند با شناسایی و ارائه جنبه‌های غیرمادی فرهنگ آنها را همگام با عناصر مادی رشد و گسترش دهد. آموزش‌هایی مانند فرهنگ ترافیک، فرهنگ استفاده از اینترنت و بازی‌های کامپیوتری و... از این دست هستند. نکته ظریفی که باید به آن دقت کرد این است که گاهی مبارزه با تأخر فرهنگی برای ورود عناصر نامطلوب

فرهنگی حربه‌ای می‌شود. بنابراین دشمنان به این بهانه وصله‌های ناجوری را به اسم فرهنگ استفاده از عناصر مادی یا فناوری روز به فرهنگ اصیل یک ملت می‌چسبانند. «البته ممکن است این امر گریبانگیر نظام آموزشی کشور نیز بشود، چرا که سیاست آموزشی هر جامعه نمی‌تواند جدا از فرهنگ و سابقه تمدنی و مکتب و سنت علمی آن باشد» (فرجی ارمکی، ۱۳۸۶).

۷. نقش زایشی: در جهان امروزی که با سرعت شگرفی در حال تغییر و تحول است همسو شدن جامعه با تغییرات بسیار حیاتی است. پویایی و حیات جامعه تا حد زیادی به این بستگی دارد که عناصر جدید را به گونه‌ای سازماندهی کند که مکمل فرهنگ موجود باشد یا دست کم مغایر آن نباشد؛ زیرا آنچه به عنوان تهاجم فرهنگی شناخته می‌شود هجوم عوامل جدید و بیگانه‌ای است که سازمان فرهنگی یک ملت را دگرگون می‌کند و تا اندازه‌ای نظم درونی آن را می‌شکند و یا دست کم سست می‌کند. حال هر قدر آموزش و پرورش یک جامعه توانایی زایش عواملی که نیازهای امروز استمداد می‌کند را داشته باشد می‌تواند مطمئن‌تر رو به جلو گام بردارد.

همگام نشدن با تغییرات و نیازهای جدید و عدم تولید عوامل جدید مطابق با نیازهای روز باعث می‌شود ملت واردات فرهنگی داشته باشند که این خود باعث مشکلات جدی برای حیات فرهنگی یک ملت می‌شود. گاهی هجوم یک فرهنگ یا واردات یک فرهنگ آن قدر ادامه پیدا می‌کند که افراد را به نوعی به سرباز فرهنگ مهاجم یا وارداتی بدل می‌کند. اگرچه به جز آموزش و پرورش، سازمان‌ها و نهادهای دیگری نیز در زایش فرهنگ نقش دارند؛ اما آنچه که نهاد آموزش و پرورش را نسبت به نهادهای دیگر متمایز می‌کند، انسجام و نظم این سازمان است. همچنین افرادی که در این نهاد فرهنگ به آنها ارائه می‌شود اغلب کودکان و نوجوانان هستند که میزان و دوام تأثیرپذیری در آنها بسیار زیاد است. امروزه ثابت شده است که کار فرهنگی باید از سنین کودکی شروع شود تا بتوان آن را ثبات بخشید و در آینده مهندسی و احیای فرهنگ را به آنها سپرد.

۸. نقش اصلاح و پالایش فرهنگی: امروزه ورود عناصر فرهنگی نامناسب در جامعه امری اجتناب‌ناپذیر است. یک جامعه هر قدر



هم که پویا باشد باز هم در آن عناصر نامناسبی پیدا می‌شود. آنچه نقش آموزش و پرورش را در اینجا پررنگ کرده است، رصد کردن و پالایش جامعه است. یکی از مراکزی که وجود عوامل نامناسب فرهنگی را تشخیص می‌دهد نهاد آموزش و پرورش است. نکته با اهمیت این است که کار برای زدودن عوامل نامناسب نیز بسیار مشکل است و نیاز به ممارست و کار تدریجی دارد که این امر در بستر آموزش و پرورش به خوبی قابل اجراست. کار روی کودکان و نوجوانان بر خانواده‌های آنان نیز تأثیر دارد.

۹. نقش اجرای الگوی فرهنگی: آموزش و پرورش نقش مهمی در اجرا و هدایت جامعه به سمت الگوی ایرانی - اسلامی دارد و از گرایش جامعه به سمت الگوهای مخرب جلوگیری می‌کند. این کار به صورت ارائه تنبیهات و تشویقات رسمی و غیررسمی انجام می‌گیرد.

۱۰. نقش تربیت افراد و تمرین نقش‌های فرهنگی: فعالیت افراد در این نهاد تا آنجا پیش می‌رود که افراد مسئولیت مستقیم رفتار خود را می‌پذیرند و سپس جزئی از تمامیت فرهنگی جامعه می‌شوند. البته این به معنای عدم استقلال افراد نیست؛ بلکه منظور همسویی و پذیرش نقش مستقل؛ ولی در عین حال هم‌جهت با فرهنگ ایرانی - اسلامی است. «یکی از تفاوت‌های افراد تحصیل کرده نسبت به افراد فاقد تحصیلات رسمی همین است» که افراد تحصیل کرده جریان فرهنگ‌پذیری را به صورت رسمی‌تر و منظم‌تر تمرین می‌کنند که این مسئله باعث می‌شود آنها راحت‌تر فرهنگ ایرانی - اسلامی را شناسایی و جذب کنند. در واقع عقلانی شدن سیر فرهنگ‌پذیری در نزد افراد به عنوان پادتنی برای بیماری‌های فرهنگی در آینده عمل می‌کند و باعث می‌شود افراد جامعه انتخاب‌های مناسب‌تر از فرهنگ ارائه شده در آینده داشته باشند.

۱۱. آموزش و پرورش به عنوان وسیله‌ای برای سلسله‌مراتبی کردن نقش‌ها: سلسله‌مراتب منظم، کار برنامه‌ریزی و ارزشیابی امور فرهنگی را بهبود می‌بخشد. وجود سلسله‌مراتب به معنای برتری نقش‌ها نسبت به یکدیگر نیست؛ بلکه به این معناست که برای هر نقش، تخصصی تعریف شده وجود دارد.

۱۲. نقش‌های فرهنگی دیگر برای آموزش و پرورش: انتقال فرهنگ: فرهنگ امری ذاتی نیست پس لازم است

که به هر نسل جدیدی آموخته شود. در همه جامعه‌ها، میراث فرهنگی قابل اعتناست و چون ممکن است بر اثر غفلت از میان برود از این رو انتقال آن به افراد جامعه به نسل جدید اهمیت خاصی دارد (علاقه‌بند، ۱۳۸۷: ۷۹).

جامعه‌پذیری: اساس جامعه‌پذیری بر این واقعیت استوار است که انسان به صورت شخص زاده نمی‌شود، بلکه به وسیله پرورش و آموزش اجتماعی به یک شخص تبدیل می‌شود (همان: ۸۰).

گزینش و تخصص: هر جامعه‌ای نیاز به نیروی کار ماهر و متخصص دارد. تربیت افراد متخصص در تمام امور به وسیله آموزش و پرورش صورت می‌گیرد. همچنین آموزش و پرورش سهم مهمی در تحرک اجتماعی دارد (همان، ص ۸۱). تحرک اجتماعی باعث جابجایی افراد در منزلت‌های مختلف می‌شود که این امر سهم مهمی در ایجاد رقابت و افزایش کیفیت امور مختلف دارد.

یگانگی اجتماعی: آموزش و پرورش رسمی، وسیله مهمی برای تبدیل یک جامعه نامتجانس به جامعه‌ای متجانس و یکپارچه است. بنابراین ظهور دولت‌های ملی با ایجاد نظام‌های آموزش و پرورش رسمی مقارن بوده است. آموزش و پرورش این امر را از طریق آموزش زبان رسمی و محتوای مشترک به افراد انجام می‌دهد (همان: ۸۱).

پرورش سیاسی: هدف آشکار پرورش سیاسی شکل دادن به رفتارهای کودکان و نوجوانان به اقتضای قالب‌های اجتماعی و سیاسی است (همان: ۱۱۷). به عبارت دیگر، پرورش سیاسی فرایندی است که شخص از طریق آن جهت‌گیری سیاسی خود را در محیط جامعه کسب کند (کازامیاس و ماسیلاس به نقل از

### نتیجه‌گیری

ذکر این نکته ضروری است که در نقش‌های ذکر شده تنها نهاد آموزش و پرورش تأثیرگذار نیست و نهادهای دیگر نیز ممکن است در این امور دخیل باشند؛ اما به دلایل مختلف، نقش آموزش و پرورش در مهندسی فرهنگی بسیار پررنگ‌تر از سایر نهادهاست. از جمله ویژگی‌های این نهاد می‌توان به منظم بودن، سر و کار داشتن با کودکان، نوجوانان و جوانان، حضور طولانی مدت افراد

- علاقه‌بند، علی. (۱۳۸۷). جامعه‌شناسی آموزش و پرورش. تهران، نشر روان، چاپ چهل و چهارم.

- علاقه‌بند، علی. (۱۳۸۶). مدیریت عمومی. تهران، نشر روان، چاپ هشتم.

- عماد زاده، مصطفی. (۱۳۸۷). اقتصاد آموزش و پرورش. اصفهان، نشر جهاد دانشگاهی.

- فتحی واجارگاه، کورش. (۱۳۸۶). اصول برنامه‌ریزی درسی. تهران، انتشارات ایران زمین، چاپ پنجم.

- فرجی ارمکی، اکبر. (۱۳۸۶). رسالت و نقش دانشگاه اسلامی در تمدن‌سازی و تولید علم دینی. فصلنامه دانشگاه اسلامی، نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها، سال یازدهم، ۱۳۸۶ شماره ۴، ۱۷-۳۳.

- کاردان، علی‌محمد. (۱۳۷۲). فرهنگ و آموزش و پرورش فرهنگی. فصلنامه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی، سال اول، شماره اول، ص ۴۵ - ۶۰.

- کوئن، بروس. (۱۳۸۷). مبانی جامعه‌شناسی. ترجمه غلامعباس توسلی و رضا فاضل، تهران، انتشارات سمت، چاپ هیجدهم.

- گوتهک، جلال‌الدال. (۱۳۸۸). مکاتب فلسفی و آراء تربیتی. ترجمه محمدجعفر پاک سرشت، تهران، انتشارات سمت، چاپ نهم.

- گرامی، غلامحسین و شریف اصفهانی، میثم. (۱۳۸۶). مهندسی فرهنگی، بایسته‌ها و راهبردها، سایت پایگاه حوزه به آدرس [www.hawzah.net](http://www.hawzah.net).

- میرکمالی، سیدمحمد. (۱۳۶۹). رابطه فرهنگ با مقاومت در مقابل تغییر یا پذیرش آن. فصلنامه علمی-کاربردی مدیریت دولتی، شماره ۹۰، ص ۷۵-۸۱.

- ناجی. (۱۳۸۷). مهندسی فرهنگی کشور در یک نگاه. اداره کل آموزش و پژوهش معاونت سیاسی صدا و سیما به آدرس [www.r.tribnews.ir](http://www.r.tribnews.ir)

در این نهاد، بالا بودن سطح توانایی‌ها و آگاهی‌های افراد فعال در این نهاد، تعداد زیاد افراد فعال در این نهاد، وجود ارزشیابی‌های مستمر و میزان بودجه اختصاص یافته به این نهاد اشاره کرد. با توجه به اینکه مهندسی فرهنگی فعالیتی فراگیر، طولانی مدت و تدریجی است، آموزش و پرورش می‌تواند به عنوان محوری‌ترین نهاد، مورد توجه مسئولان و برنامه‌ریزان فرهنگی، به‌ویژه شورای عالی انقلاب فرهنگی قرار گیرد. البته صبر و حوصله متولیان فرهنگی در این مسیر نقشی اساسی دارد، چه‌بسا فعالیتی در این خصوص، در نسل‌های بعدی به ثمر بنشیند.

### منابع:

- آقا زاده، احمد. (۱۳۸۳). مسائل آموزش و پرورش ایران. تهران، انتشارات سمت، چاپ سوم.

- باقری، خسرو. (۱۳۸۸). نگاهی دوباره به تعلیم و تربیت اسلامی. تهران، انتشارات مدرسه، جلد دوم.

- روحانی، حسن. (۱۳۸۷). مهندسی فرهنگی از نظریه تا عمل. مجله راهبرد، شماره ۴۸، تابستان ۱۳۸۷، ص ۷-۴۰.

- سعیدآبادی، علیرضا. (۱۳۸۸). مهندسی فرهنگی؛ بایسته‌ها و راهبردها. روزنامه رسالت ۲۴ اردیبهشت.

- صفوی، امان‌الله. (۱۳۸۶). کلیات روش‌ها و فنون تدریس. تهران، انتشارات معاصر، چاپ سیزدهم.